

نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء

نویسنده: منیر گرجی

شرح و بسط: زهرا امی

ناشر: سوین

نوبت چاپ: سوم - ۱۳۸۷

تعداد: ۱۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۷۸ صفحه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

کتاب نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء حاصل یکی از پژوهش‌های انجام شده توسط موسسه مطالعات و تحقیقات زنان (ایران) بوده است که پس از برگزاری سه دوره بین‌المللی مطالعات زنان در موسسه و حضور زنان فعال ادیان دیگر کشورها در این دوره‌ها، ضرورت کارپژوهشی پیرامون نگرش قرآن به زن در تاریخ انبیاء بیش از پیش مشهود گردید و محققان موسسه را بر آن داشت تا نتایج تحقیقات خود را در قالب کتاب انتشار دهند.

کتاب فوق پس از ۳ بارتجدید چاپ شده و به دو زبان انگلیسی و عربی نیز انتشار یافته است.

این کتاب که موضوعی ابتکاری را پیگیری می‌کند، حاوی ۱۲ فصل است که هم زنان مؤمن و وارسته تاریخ پیامبران را معرفی می‌نماید و هم زنان کافر و بدکردار را. اثری است که حاصل یک دوره تحقیق در باره «شناخت زنان مطروحه در قرآن» در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان می‌باشد. روش کار در مرحله اول، بیان نصوص قرآنی و سپس شرح و تفسیر آنهاست و مراجعه به منابع حدیثی به فرصتی دیگر موکول شده است.

"زن و زمامداری"، عنوان اولین فصل کتاب است که به معرفی بلقیس، ملکه سبا در عصر حضرت سلیمان (ع) پرداخته و عکس‌العمل او را در برابر دعوت سلیمان ستوده است که با درایت و هوشیاری، مملکت تحت سلطه خویش را از رویارویی با سلیمان نجات می‌دهد و در برابر حق و حقیقت تسلیم می‌شود و در خاتمه فصل، نظر بعضی از علماء و صاحب‌نظران را که قایلند حاکمیت و رهبری با وضع جسم و روح بانوان سازگار نیست، قابل نقد و نقض و بررسی دانسته و ماجرای بلقیس را در قرآن، شاهدی بر توانایی زنان در عرصه حاکمیت شمرده است. به امید آنکه مؤلف محترم، طبق وعده خویش به مواردی که در روایات به چشم می‌خورد و با استنتاج‌های فوق در تنافی است، پاسخ دهند. مثلاً امام حسین (ع) به خاطر پیمان شکنی کوفیان، از آینده آنان چنین خبر می‌دهد: «... و یسلط علیهم من یدلهم حتی یكون اذل من قوم سبا اذ ملکتهم امرأة فحکمت فی اموالهم و دمائهم".

فصل دوم با عنوان «زن و نزول رحمت و برکت الهی»، به داستان ساره همسر ابراهیم خلیل الرحمن(ع) و وعده فرزندی در سنین کهولت به او می پردازد. در این فصل از حضور ساره در مجلس ابراهیم و فرشتگان الهی و خطاب مستقیم فرشتگان به ساره، یگانگی او با ابراهیم در دریافت بشارت و همراه شدن او با ابراهیم و مورد خطاب «اهل بیت» واقع شدن و هر دو را سرسلسله نسلی ممتد از پیامبران معرفی کردن، همه و همه به عنوان شواهد طهارت، وارستگی و عظمت او آورده شده است. در بخشی از همین فصل، تحت عنوان رابطه همسران با یکدیگر می خوانیم:

" حضرتش علی‌رغم ازدواج مجدد، تا سن کهولت هنوز دارای فرزند نبوده است. بنابراین یا عدم توانایی در هر دو همسر او به طور مساوی وجود داشته است و یا اینکه اساساً خودش از این توانایی برخوردار نبوده است. از این‌رو، تصور حسادت در میان این دو همسر موردی پیدا نمی‌کند بخصوص که برخورد حساس قرآن با کانون‌های وحی، از افشای فساد هر کسی که در این کانون به سر می‌برد و از تعالیم پیامبر تأثیر نمی‌پذیرفته است، خود به منزله تأییدی برای نتیجه‌گیری فوق است."

چنانچه گذشت، تاریخ پیامبران در قرآن بدون عنایت به احادیثی که از معصومین(ع) در این زمینه نقل شده، امری دشوار است و چه بسا آدمی را به نتایج منافی با مضامین روایات سوق دهد. مگر آنکه به همان مقدار که در آیات با هدف هدایت انسان (و نقل جزئیات تاریخ و بازگو کردن روحيات شخصیت‌های داستان) آمده، اکتفا شود. آنچه در این زمینه از احادیث معصومین(ع) استفاده می‌شود آن است که ابراهیم(ع) پس از یأس از فرزندان شدن از همسرش ساره، با موافقت او با هاجر ازدواج می‌کند. فرزندان شدن هاجر، ناراحتی ساره را فراهم می‌سازد، به طوری که ابراهیم به ناچار هاجر و فرزندش اسماعیل را به امر پروردگار به سرزمین دیگری منتقل می‌کند. بشارت تولد اسحق به ابراهیم و همسرش ساره، پس از تولد اسماعیل و دعا و نیایش آنان به درگاه الهی صورت می‌گیرد. بنابر نظر مولف درمیان آیات هیچ سخن یا قرینه‌ای به صراحت یا حتی اشاره وار مبني برحضور عینی همسر دوم یا این که وي مغضوب و محسود همسر اول واقع شده باشد به طوری که علت هجرت و سکونت اوبیابان مکه این حسادت و خصومت بوده است، به چشم نمی‌خورد.

از نکات سودمندی که مؤلف محترم در زندگی زنان الگو و نیز زنان کافر و نگون بخت تاریخ یادآوری می‌کند، «آزادی» هر انسانی در انتخاب راه سعادت یا شقاوت است. به طوری که یک زن در خانه فرعون راه حق و حقیقت می‌جوید و زنی دیگر در خانه یک پیامبر راه باطل می‌پوید، و این نشانه آن است که هیچ کس به خاطر همسری یا همنشینی با پیامبر خدا رستگار نخواهد شد. رستگاری در گرو ایمان و عمل صالح هر انسانی است.

در بخش دیگری از کتاب که داستان یوسف و زلیخا و داستان موسی و دختران شعیب پیگیری می‌شود، نکات مفید و قابل توجهی به چشم می‌خورد. نویسنده در این بخش زلیخا را در عین آنکه از فطرت انسانی منحرف گردیده، به خاطر اعتراف به گناه خویش و وارستگی و عفت یوسف می‌ستاید و بیش از آنکه او را نکوهش نماید و جنبه منفی شخصیت او را بنمایاند، به دنبال نشان دادن بُعد مثبت شخصیت او است. در همین بخش، با نکوهش برادران یوسف و مقایسه مکر آنان با مکر زلیخا و زنان مصر می‌گوید:

"اما در کید همسر عزیز و زنان مصر، یوسف در نزد همسر عزیز مقام والایی داشت و او را تکریم می‌کرد و در سرپرستی او شخصاً می‌کوشید و آنچه باعث کید شد در واقع علاقه و محبت بیش از حد او به شخصیتی چون یوسف بود که حسن صورتش تحت‌الشعاع حُسن سیرتش قرار گرفته بود و از او نزد زلیخا فرشته‌ای ساخته بود. کیدی را که او با یوسف به کار بست به منظور کامجویی از او بود و از این پس نیز علی‌رغم مخالفت یوسف و آن رسوایی که برایش به بار آمد، هرگز به او دروغی نسبت نداد و تهمتی نسبت و حتی کلامی هم که در مقابل شوهرش بیان کرد، یک بیان کلی بود و پس از آن نیز با صراحت به عصمت یوسف و عشق خود به او اقرار کرد و هرگز حق را کتمان نکرد و تهدید او به زندان نیز یک تهدید صرف بود و اگر هم یوسف به زندان افکنده شد، به صلاحدید درباریان و عزیز مصر بود".

در خاتمه فصل هفتم تحت عنوان «زن برگزیده»، که در باره شخصیت حضرت مریم (س) می باشد، مقایسه‌ای میان آن حضرت و حضرت زکریا (ع) صورت گرفته که خالی از تأمل نیست. زیرا،

۱. اگر خواندن زکریا پروردگارش را در پاره ای از موارد با (نداء) دلیل بر برتری حضرت مریم (س) در مراحل از وحی و زندگی، از حضرت زکریا (ع) باشد، باید ابراهیم، نوح و موسی علیهم السلام را نیز که پروردگارش را خوانده اند یا خدا آنان را خوانده و قرآن به (نداء) تعبیر کرده، دور از خدا پنداشت و مریم را از آنان برتر نشانند. گذشته از آن، مؤلف محترم بر بعضی از مفسران نیز – که علت تعبیر به نداء را در آیه تصور دور بودن او از خدا شمرده‌اند – خرده گرفته و علت آن را لااقل در مورد فرشتگان، بُعد واقعی تفسیر کرده نه بُعد پنداری.

۲. «کلمه» خواندن عیسی (ع) در مقایسه با "مصدق" کلمه بودن یحیی (ع)، فقط شاهی بر برتری عیسی بر یحیی است نه برتری کسی که این بشارت را دریافت می کند.

عده ای از مفسران نیز از اینکه حضرت زکریا پس از بشارت الهی به تولد فرزند، آیه و نشانه ای طلب کرد، ولی مریم (س) با دریافت بشارت به تولد عیسی (ع)، هیچ گونه نشانه ای نطلبید، همین نتیجه‌گیری را رایج کرده اند. اما درخواست نشانه توسط زکریا، مانند درخواست رؤیت احياء و اماته خداوند توسط ابراهیم خلیل (ع) است. و برای اطمینان قلب است تا از مرحله علم الیقین به مرتبه عین الیقین نایل شوند، نه شاهی بر شک و تردید زکریا.

نیاز به توضیح ندارد که هدف از ذکر نکات فوق، انکار برتری حضرت مریم (س) در پاره ای از ابعاد بر حضرت زکریا (ع) – اگر ثابت شود – نیست. بلکه تأمل بر نوع استدلال‌های یادشده از آیات قرآن است.

فصل پایانی کتاب به شمه‌ای از فضایل حضرت زهرا (ع) در آیات قرآن، پرداخته است. آیاتی که یا اختصاص به آن حضرت دارد یا در جمع اهل بیت پیامبر (ص)، از ارزش‌های والای روحی و معنوی او خبر می‌دهد.

کتاب حاضر کتابی مفید و سودمند درخصوص زنان مشهور قرآن و حاوی دقتها و موشکافی‌هایی در فهم آیات قرآن می باشد که خواندن آن را به همکاران گرامی توصیه می نمایم.